

# روشی نو در شناخت راویان حدیث (۲)



(بررسی وثاقت و ضبط راویان بر پایه 'نقل‌ها)

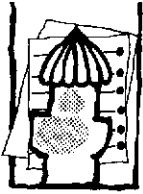
افتخار زمان\*

ترجمه سید محمد علی رضوی

## یادداشت مترجم

همان گونه که در بخش پیشین وعده داده بودیم در این بخش به تحلیل و اژه‌ها در نقل‌های گوناگون حدیث سعد خواهیم پرداخت؛ اما پیش از آن لازم است مروری کلی داشته باشیم بر آنچه که این مقاله در صدد طرح و ارائه آن است.

نویسنده محترم این مقاله در ابتدا به جمع آوری نقل‌های مختلف حدیث سعد از مأخذهای گوناگون پرداخته‌ام (مأخذ نقل‌ها در پایان این مقاله ذکر شده‌اند) و سپس این نقل‌ها را بر حسب سلسله‌راویان آنها دسته‌بندی نموده‌ام و از آن جا که این نقل‌ها موضوعات مختلفی را در بر داشته‌اند،

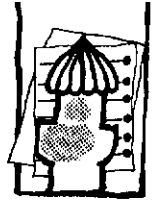


آن موضوعات نیز دسته‌بندی شده‌اند و آن‌گاه، مقایسه‌ای بین نقل‌ها از لحاظ نوع پردازش موضوع، صورت گرفته است. در پایان، نتایج این مقایسه‌ها نیز به صورت جدولی مختصر و مفید، ارائه گردیده است. در جداول ارائه شده در بخش پیشین، موضوعات، به اختصار و با حروف ابجد، نشان داده شد، که هر حرف، بیانگر یک موضوع و یا یک جمله از نقل، و عدم وجود یک حرف، دلیل بر عدم وجود موضوع مربوط، در آن نقل است. همچنین نشانه‌های \* و ؟ و سیاهی و یا نازکی حروف، همه بیانگر نوع پردازش موضوع از طرف راوی‌اند که در بخش پیشین، مفصلاً در این باره بحث گردید.

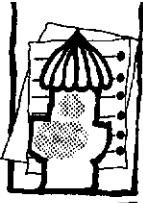
اینک علاوه بر ذکر مأخذهای ۱۱۴ نقلی مورد بررسی در این مقاله، بر جداول پیشین نیز مروری خواهیم داشت.

### مآخذ نقل

۱. المسند، سعید بن منصور بن شعبة (م ۲۲۷ق)، ش ۳۳۰
۲. المسند، ابوبکر بن عبدالله بن زبیر الحمیدی (م ۲۱۹ق)، ش ۶۶
۳. الطبقات الکبری، محمد بن سعد (م ۲۷۳ق)، ج ۳، ش ۱۴۴
۴. فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، احمد بن علی بن حجر العسقلانی (م ۸۵۲ق)، ش ۶۷۳۳
۵. شرح معانی الآثار، ابو جعفر احمد بن محمد الطحاوی، ج ۳، ش ۲۵۵
۶. التمهید فی معرفة ما فی الموطأ من المعانی و الاسانید، ابن عبد البر (م ۴۶۳ق)، ج ۶، ش ۳۶۷
۷. السنن المجتبی، احمد بن شعیب النسائی (م ۳۰۳ق)، ج ۶، ش ۳۶۷
۸. السنن، ابو داوود سلیمان ابن اشعث السجستانی (م ۲۷۵ق)، ش ۲۸۶۴
۹. السنن، ابو داوود سلیمان بن اشعث السجستانی (م ۲۷۵ق)، ش ۲۸۶۴



- ۱۰ . الجامع ، محمد بن عيسى ابو عيسى الترمذی (م ۲۷۹ق)، ش ۲۱۹۹
- ۱۱ . السنن ، محمد بن يزيد ابن ماجة القزوينی (م ۲۷۳ق)، ش ۲۷۰۸
- ۱۲ . السنن الكبرى ، أحمد بن حسين بن علي البيهقي (م ۴۵۸ق)، ج ۶، ش ۲۶۸-۲۶۹
- ۱۳ . السنن الكبرى ، أحمد بن حسين بن علي البيهقي (م ۴۵۸ق)، ج ۶، ش ۲۶۹-۲۶۸
- ۱۴ . تاريخ دمشق ، علي بن حسين بن هبة الله ابن عساكر (م ۵۷۱ق)، ج ۷، ش ۱۳۲-۱۳۳
- ۱۵ . شرح السنة ، حسين بن مسعود بن الفراء البغوي (م ۵۱۶ق) ج ۵، ش ۲۸۴
- ۱۶ . المسند ، أحمد بن علي بن المثنى أبو يعلى الموصلى (م ۳۰۷ق)، ش ۷۳۷
- ۱۷ . فتح الباری فی شرح صحيح البخاری ، أحمد بن علي ابن حجر العسقلانی (م ۸۵۲ق)، ش ۴۴۰۹
- ۱۸ . فتح الباری فی شرح صحيح البخاری ، أحمد بن علي ابن حجر العسقلانی (م ۸۵۲ق)، ش ۳۹۳۶
- ۱۹ . فتح الباری فی شرح صحيح البخاری ، أحمد بن علي ابن حجر العسقلانی (م ۸۵۲ق)، ش ۶۳۷۳
- ۲۰ . الصحيح ، مسلم بن حجاج القشيري (م ۲۶۱ق)، ج ۳، ش ۱۲۵۰
- ۲۱ . السنن الكبرى ، أحمد بن حسين بن علي البيهقي (م ۴۵۸ق) ج ۶، ش ۲۶۸-۲۶۹
- ۲۲ . المسند ، أبو داود الطيالسي (م ۲۰۸ق) ج ۱، ش ۲۷
- ۲۳ . فتح الباری فی شرح صحيح البخاری ، أحمد بن علي ابن حجر العسقلانی (م ۸۵۲ق)، ش ۵۶۶۸
- ۲۴ . الموطأ ، مالك بن انس (م ۱۷۹ق)، صفحة ۶۵۲
- ۲۵ . تاريخ دمشق ، علي بن حسين بن هبة الله ابن عساكر (م ۵۷۱ق) ج ۷، ص ۱۵۹-۱۶۰
- ۲۶ . تاريخ دمشق ، علي بن حسين بن هبة الله ابن عساكر (م ۵۷۱ق) ج ۷، ص ۱۵۹-۱۶۰
- ۲۷ . تاريخ دمشق ، علي بن حسين بن هبة الله ابن عساكر (م ۵۷۱ق) ج ۷، ص ۱۵۹-۱۶۰
- ۲۸ . تاريخ دمشق ، علي بن حسين بن هبة الله ابن عساكر (م ۵۷۱ق) ج ۷، ص ۱۵۹-۱۶۰
- ۳۲ . شرح معانی الآثار ، أبو جعفر احمد بن محمد الطحاوي ، ج ۳، ش ۲۵۵



۳۳ . فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، احمد بن علی ابن حجر العسقلانی (م

۸۵۲ق)، ش ۱۲۹۵

۳۵ . کتاب معرفة التاريخ، یعقوب بن سفیان القسوی (م ۲۷۷ ق)، ج ۱، ش ۳۶۸-۳۶۹

۳۶ . السنن الكبرى، احمد بن حسين بن علي البيهقي (م ۴۵۸ ق)، ج ۶، ش ۲۶۸-۲۶۹

۳۷ . السنن الكبرى، احمد بن حسين بن علي البيهقي (م ۴۵۸ ق)، ج ۶، ش ۲۶۸-۲۶۹

۳۸ . مصنف، عبدالرزاق الصنعانی (م ۲۱۱ ق)، ش ۱۶۳۷۵

۳۹ . المسند، احمد بن محمد ابن حنبل (م ۲۴۱ ق)، ج ۱، ش ۱۷۶

۴۰ . منتخب من مسند عبد بن حميد، عبد بن حميد (م ۲۴۹ ق)، ش ۱۳۳

۴۱ . الصحيح، مسلم بن حجاج القشيري (م ۲۶۱ ق)، ج ۳، ش ۱۲۵۲

۴۲ . المسند، أبو داود الطيالسي (م ۲۰۸ ق)، ج ۲، ش ۴۰۷

۴۳ . التمهيد في معرفة ما في الموطأ من المعاني والاسانيد، ابن عبد البر (م ۴۶۳ ق)،

ج ۸، ش ۳۹۱-۳۹۲

۴۴ . فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، احمد بن علی ابن حجر العسقلانی(م

۸۵۲ق)، ش ۵۶

۴۵ . الادب المفرد، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل البخاری (م ۲۵۶ ق)، ص ۱۲۲

۴۶ . مصنف، عبدالرزاق الصنعانی(م ۲۱۱ ق)، ش ۱۶۳۵۸

۴۷ . المسند، احمد بن محمد ابن حنبل (م ۲۴۱ ق)، ج ۱، ش ۱۷۳

۴۸ . السنن المجتبى، احمد بن شعيب النسائي (م ۳۰۳ ق)، ج ۶، ش ۲۴۲

۴۹ . فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، احمد بن علی ابن حجر العسقلانی(م ۸۵۲ق)،

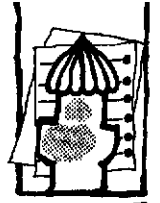
ش ۲۷۴۲

۵۱ . شرح السنة، حسين بن مسعود بن الفرأ البغوي (م ۵۱۶ ق)، ج ۵، ش ۲۸۱-۲۸۲

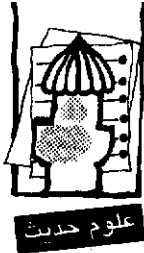
۵۲ . فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، احمد بن علی ابن حجر العسقلانی(م

۸۵۲ق)، ش ۵۳۵۴

۵۳ . الصحيح، مسلم بن حجاج القشيري (م ۲۶۱ ق)، ج ۳، ش ۱۲۵۲

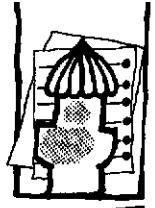


- ۵۴ . الطبقات الكبرى، محمد بن سعد (م ۲۳۰ ق)، ج ۳، ش ۱۴۵
- ۵۵ . المسند، أحمد بن محمد ابن حنبل (م ۲۴۱ ق)، ش ۱۴۸۰
- ۵۶ . السنن، أحمد بن علی بن المشی أبو یعلی الموصلی (م ۳۰۷ ق)، ش ۷۳۰
- ۵۷ . المسند، أحمد بن محمد ابن حنبل (م ۲۴۱ ق)، ش ۱۴۸۰
- ۵۸ . السنن المجتبى، أحمد بن شعيب النسائی (م ۳۰۳ ق)، ج ۶، ش ۲۴۲
- ۵۹ . فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، أحمد بن علی ابن حجر العسقلانی (م ۸۵۲ ق)، ش ۲۷۴۴
- ۶۰ . السنن الكبرى، أحمد بن حسین بن علی البيهقي (م ۴۵۸ ق)، ج ۶، ش ۲۶۹
- ۶۱ . السنن المجتبى، أحمد بن شعيب النسائی (م ۳۰۳ ق)، ج ۶، ش ۲۴۳
- ۶۲ . المسند، أحمد بن محمد ابن حنبل (م ۲۴۱ ق)، ش ۱۵۹۹
- ۶۳ . المسند، أحمد بن محمد، ابن حنبل (م ۲۴۱ ق)، ش ۱۴۴۰
- ۶۴ . الطبقات الكبرى، محمد بن سعد (م ۲۳۰ ق)، ج ۳، ش ۱۴۵
- ۶۶ . الصحيح، مسلم بن حجاج القشيري (م ۲۶۱ ق)، ج ۳، ش ۱۲۵۳
- ۶۷ . الصحيح، مسلم بن حجاج القشيري (م ۲۶۱ ق)، ج ۳، ش ۱۲۵۳
- ۶۸ . المسند، أحمد بن علی بن المشی أبو یعلی الموصلی (م ۳۰۷ ق)، ش ۷۸۱
- ۶۹ . المسند، سعيد بن منصور بن شعبة (م ۲۲۷ ق)، ش ۷۸۱
- ۷۰ . جامع البيان فی تفسير القرآن، محمد بن جرير الطبري (م ۳۱۰ ق)، ش ۳۳۱
- ۷۱ . الصحيح، مسلم بن حجاج القشيري (م ۲۶۱ ق)، ج ۳، ش ۱۲۵۳
- ۷۲ . منتخب من مسند عبد بن حميد، عبد بن حميد (م ۲۴۹ ق)، ش ۱۳۲
- ۷۳ . المسند، أحمد بن محمد ابن حنبل (م ۲۴۱ ق)، ش ۱۶۱۴
- ۷۴ . السنن الكبرى، أحمد بن حسین بن علی البيهقي (م ۴۵۸ ق)، ج ۶، ش ۲۶۹
- ۷۵ . الاحسان بترتيب صحيح ابن حبان، علاء الدين بن علی بن بلبان، ش ۶۹۵۳
- ۷۶ . الصحيح، مسلم بن حجاج القشيري (م ۲۶۱ ق)، ج ۳، ش ۱۲۵۲
- ۷۸ . تاريخ دمشق، علی بن حسین بن هبة الله ابن عساكر (م ۵۷۱ ق)، ج ۷، ش ۱۵۸

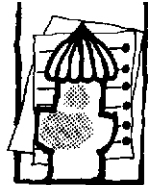


۷۹ . التمهيد في معرفة ما في الموطأ من المعاني والاسانيد ، ابن عبد البر (م ۴۶۳ق)،  
ج ۸، ش ۳۷۸

- ۸۰ . الصحيح ، مسلم بن حجاج القشيري (م ۲۶۱ق)، ج ۳، ش ۱۲۵۲
- ۸۱ . المسند ، احمد بن علي بن المثنى أبويعلى الموصلى (م ۳۰۷ق) ، ش ۷۷۹
- ۸۲ . الجامع ، محمد بن عيسى أبو عيسى الترمذى (م ۲۷۹ق)، ش ۹۸۲
- ۸۳ . السنن المجتبى ، احمد بن شعيب النسائى (م ۳۰۳ق)، ج ۶، ش ۲۴۳
- ۸۴ . تاريخ دمشق ، علي بن حسين بن هبة الله ابن عساكر (م ۵۷۱ق)، ج ۷، ش ۱۶۰
- ۸۵ . المسند ، احمد بن محمد ابن حنبل (م ۲۴۱ق) ، ش ، ۱۵۰۱
- ۸۶ . المسند ، أبو داود الطيالسى (م ۲۰۸ق)، ج ۱، ش ۲۷
- ۸۷ . المسند ، احمد بن علي بن المثنى أبويعلى الموصلى (م ۳۰۷ق)، ش ۷۴۶
- ۸۸ . المسند ، احمد بن محمد ابن حنبل (م ۲۴۱ق)، ش ۱۴۸۵
- ۸۹ . الطبقات الكبرى ، محمد بن سعد (م ۲۳۰ق) ، ج ۳، ش ۱۴۵-۱۴۶
- ۹۰ . السنن ، عبد الله بن عبد الرحمان الدارمى (م ۲۵۵ق)، ج ۲، ش ۴۰۷
- ۹۱ . المسند ، احمد بن محمد ابن حنبل (م ۲۴۱ق) ، ش ۱۴۸۶
- ۹۲ . سير أعلام النبلاء ، شمس الدين محمد بن علي بن عثمان الذهبي (م ۷۴۸ق)، ج ۱،  
ش ۷۴
- ۹۳ . المسند ، احمد بن محمد ابن حنبل (م ۲۴۱ق)، ش ۱۴۷۴
- ۹۴ . تاريخ دمشق ، علي بن حسين بن هبة الله ابن عساكر (م ۵۷۱ق)، ج ۷، ش ۱۶۰-۱۶۱
- ۹۵ . فتح البارى فى شرح صحيح البخارى ، احمد بن علي ابن حجر العسقلانى (م  
۸۵۲ق)، ش ۵۶۵۹
- ۹۶ . السنن ، أبو داود سليمان ابن أشعث السجستاني (م ۲۷۵ق)، ش ۳۰۸۸
- ۹۷ . تاريخ دمشق ، علي بن حسين بن هبة الله ابن عساكر (م ۵۷۱ق)، ج ۷، ش ۱۶۰
- ۹۸ . مصنف ، عبدالرزاق الصنعانى (م ۲۱۱ق)، ش ۱۶۳۹۵
- ۹۹ . مصنف ، عبدالرزاق الصنعانى (م ۲۱۱ق)، ش ۱۶۳۶۰



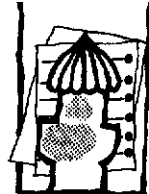
- ۱۰۰ . السنن، أبو داود سليمان بن أشعث السجستاني (م ۲۷۵ ق)، ش ۳۸۷۵
- ۱۰۱ . الطبقات الكبرى، محمد بن سعد (م ۲۳۰ ق)، ج ۳، ش ۱۴۶-۱۴۷
- ۱۰۲ . المعجم الكبير، سليمان بن أحمد الطبراني (م ۳۶۰ ق)، ش ۵۴۶۴
- ۱۰۳ . المسند، أحمد بن محمد ابن حنبل (م ۲۴۱ ق)، ش ۱۴۷۹
- ۱۰۴ . السنن المجتبى، أحمد بن شعيب النسائي (م ۳۰۳ ق)، ج ۶، ش ۲۴۳
- ۱۰۵ . نصب الراية فى تخريج احاديث الهداية، عبدالله بن يوسف الزيلعى (م ۷۶۲ ق)،  
ج ۱، ش ۴۰۱
- ۱۰۶ . المسند، أحمد بن على بن المثنى أبو يعلى الموصلى (م ۳۰۷ ق)، ش ۷۲۷
- ۱۰۷ . السنن المجتبى، أحمد بن شعيب النسائي (م ۳۰۳ ق)، ج ۶، ش ۲۴۳
- ۱۰۸ . الاستيعاب بمعرفة الاصحاح، يوسف بن عبدالله النمرى القُرطُبى (م ۴۶۳ ق)،  
ص ۴۴۴
- ۱۰۹ . اسد الغابة فى معرفة الصحابة، عز الدين محمد بن عبدالكريم ابن الاثير (م  
۶۳۰ ق)، ش ۳۹۷۳
- ۱۱۰ . المسند، أحمد بن محمد ابن حنبل (م ۲۴۱ ق)، ج ۴، ش ۶۰
- ۱۱۱ . الطبقات الكبرى، محمد بن سعد (م ۲۳۰ ق)، ج ۸، ش ۳۷۶
- ۱۱۲ . التمهيد فى معرفة ما فى الموطأ من المعانى و الاسانيد، ابن عبد البر (م ۴۶۳ ق)،  
ج ۳، ش ۱۴۵
- ۱۱۳ . تاريخ دمشق، على بن حسين بن هبة الله ابن عساكر (م ۵۷۱ ق)، ج ۷، ش ۱۶۱
- ۱۱۴ . كشف الاستار عن زوائد الجزار، نور الدين على بن ابي بكر الهيثمى (م ۸۰۷ ق)،  
ش ۱۳۸۳



### جدول شماره ۱

	سه فرزند سعد (از ۶۳ تا ۷۱)	
	مصعب بن سعد (از ۷۲ تا ۸۰)	
	السلمی (از ۸۱ تا ۸۸)	
	محمد بن سعد (از ۸۹ تا ۹۱)	
	عایشه بنت سعد (از ۹۲ تا ۹۷)	
سفیان (از ۱ تا ۱۶)	ابو بکر بن حفص ← سعد (۹۸)	
ابراهیم بن سعد (از ۱۷ تا ۲۲)	عطا (۹۹)	
ابن ابی سلامه (۲۳)	مجاهد (۱۰۰ و ۱۰۱)	
مالک (از ۲۴ تا ۳۶)	زهری ← معمر فریخی (۱۰۲)	
یونس (۳۷)	ابن نمیر (۱۰۳ و ۱۰۴)	
	عروه (۱۰۳ و ۱۰۴)	
	عامر ← (۱۰۸ تا ۱۰۷)	عایشه (از ۱۰۵ تا ۱۰۷)
	سعد بن ابراهیم (از ۴۶ تا ۵۸)	عمرو بن قاری (از ۱۰۸ تا ۱۱۴)
	ابن اسحاق (۴۲)	
	هاشم (۵۹ و ۶۰)	
سفیان بن حسین (۴۳)	بکیر (۶۱)	
	شعیب (۴۴ و ۴۵)	
	جریر (۶۲)	





## بررسی موضوعات مختلف در احادیث عامر بن سعد

(نقل‌های ۱ تا ۶۲)

طرح ذیل، به شرح حدیث عامر بن سعد می‌پردازد.

### موضوع دیدار:

الف) وضعیت دیدار: زمان، مکان و موضوع بیماری،  
ب) دیدار پیامبر.

### موضوع وصیت:

ج) این مطلب که سعد، ثروت زیادی داشته است،  
د) این مطلب که او تنها یک وارث داشت (یک دختر)،  
ه) صحبت درباره مقدار وصیت،  
و) دلیل برای رد درخواست سعد: بهتر است ورثه دارای ثروت باشند تا ...،  
ز) نکته امیدوار کننده: هرچه در راه خدا خرج کنی، عمل خیر محسوب می‌شود.

### موضوع مهاجرت: پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

به طور خاص

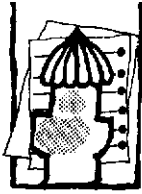
ح) نگرانی سعد در مورد عقب ماندن از هجرت،  
ط) ظفره رفتن و تسلی دادن: اگر عقب بمانی، اعمال خوب تو، تو را به خدا نزدیک تر می‌کند،  
ی) پیشگویی غیر مستقیم این مطلب که سعد از بیماری بهبودی می‌یابد.

به طور عام

ک) دعای پیامبر (ص) برای مهاجرت یارانش،

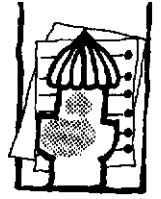
ل) اندوه ناشی از مرگ سعد بن خوله،

م) مشخص نمودن دلیل اندوه پیامبر.



جدول شماره ۲: احادیث «زهري از عامر از سعد» (گروه اول)

سلسلهٔ روایت	جملات موجود	جملات محذوف
۱. سعید بن منصور	سفيان	الف ب / ج د هوز / ح ط ی ک ل م
۲. حمیدی	سفيان	الف ب / ج د هوز / ح ط ی ک ل م
۳. ابن سعد	سفيان	الف ب / ج د هوز / ح ط ی ک ل م
۴. حمیدی	سفيان	الف ب / ج د هوز / ی ک ل م
۵. یونس	سفيان	الف ب / ؟؟؟؟؟ / ح ط ی ک ل م
۶. حمیدی	سفيان	الف ب / ج د هوز / . . . . .
۷. عمر بن عثمان	سفيان	الف ب / ج د هوز /
۸. عثمان بن ابی شیب	سفيان	الف ب / ج د هوز / ح ط ی ک ل م
۹. ابن ابی خلف	سفيان	الف ب / . . . . . / . . . . .
۱۰. ابن عمر	سفيان	الف ب / ج د هوز / ح ط ی ک ل م
۱۱. هشام، حسین، سهل	سفيان	الف ب / ج د هوز /
۱۲. سعدان بن نصر	سفيان	الف ب / ج د هوز / ح ی ک ل م
۱۳. زکریا بن یحیی	سفيان	الف ب / ج د هوز / ح ط ی ک ل م
۱۴. زکریا مروزی	سفيان	الف ب / ج د هوز / ح ط ی ک ل م
۱۵. زکریا مروزی	سفيان	الف ب / . . . . . / . . . . .
۱۶. ابو خیشمه	سفيان	الف ب / ج د هوز / ح ط ی ک ل م
۱۷. احمد بن یونس	ابراهيم بن سعد	الف ب / ج د هوز / ح ط ی ک ل م
۱۸. یحیی بن قزعه	ابراهيم بن سعد	الف ب / ج د هوز / ح ط ی ک ل م
۱۹. موسی بن اسماعیل	ابراهيم بن سعد	الف ب / ج د هوز / ح ط ی ک ل م
۲۰. یحیی بن یحیی	ابراهيم بن سعد	الف ب / ج د هوز / ح ط ی ک ل م
۲۱. یونس بن محمد و یحیی بن یحیی	ابراهيم بن سعد	الف ب / ج د هوز / ح ط ی ک ل م
۲۲. طیالسی	ابراهيم بن سعد ابن ابی سلامه و دیگران	الف ب / ج د هوز / ح ط ی ک ل م
۲۳. موسی بن اسماعیل	ابن ابی سلامه	الف ب / ج د هوز / ح ط ی ک ل م



جدول شماره ۳: احادیث مالک از زهری - عامر - سعد

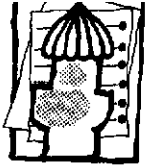
جملات موجود

سلسله روایت

ب الف / ج دهوز / ح طی ك ل م	زهری - عامر - سعد	مالک	۲۴ .
ب الف / ج دهوز / ح طی ك ل م	زهری - عامر - سعد	مالک	۲۵ . مصعب زبیر
	زهری - عامر - سعد	مالک	۲۶ . مصعب زبیر
ب الف / ج دهوز / ح طی ك ل م	زهری - عامر - سعد	مالک	۲۷ . مصعب زبیر
ب الف / ج دهوز / ح طی ك ل م	زهری - عامر - سعد	مالک	۲۸ . ابو مصعب
ب الف / ج دهوز / ح طی ك ل م	زهری - عامر - سعد	مالک	۲۹ . ابو مصعب
ب الف / ج دهوز / ح طی ك ل م	زهری - عامر - سعد	مالک	۳۰ . سوید بن سعید
ب الف / ج دهوز / ح طی ك ل م	زهری - عامر - سعد	مالک	۳۱ . سوید بن سعید
ب الف / ..... / .....	زهری - عامر - سعد	مالک	۳۲ . شافعی
ب الف / ج دهوز / ح طی ك ل م	زهری - عامر - سعد	مالک	۳۳ . عبدالله بن یوسف
ب الف / ج دهوز / ح طی ك ل م	زهری - عامر - سعد	مالک	۳۴ . ابن قنبل و ابن بکیر
ب الف / ج دهوز / ح طی ك ل م	زهری - عامر - سعد	مالک	۳۵ . ابن قنبل و ابن بکیر
ب الف / ج دهوز / ح طی ك ل م	زهری - عامر - سعد	مالک	۳۶ . ابن قنبل و ابن بکیر
ب الف / ج دهوز / ح طی ك ل م	زهری - عامر - سعد	مالک و یونس و دیگران	۳۷ . ابن وهب

جدول شماره ۴: احادیث دیگری از زهری - عامر - سعد

ب الف / ج دهوز / ح طی ك ل م	زهری - عامر - سعد	معمر	۳۸ . عبدالرزاق
ب الف / ج دهوز / ح طی ك ل م	زهری - عامر - سعد	معمر	۳۹ . عبدالرزاق
ب الف / ج دهوز / ح طی ك ل م	زهری - عامر - سعد	معمر	۴۰ . عبدالرزاق
ب الف / ..... / ..	زهری - عامر - سعد	معمر	۴۱ . عبدالرزاق
ب الف / ج دهوز /	زهری - عامر - سعد	ابن اسحاق	۴۲ . یزید بن هارون
ب الف / ج دهوز / ح طی ك ل م	زهری - عامر - سعد	سفیان بن حسین	۴۳ . یزید بن هارون
ب الف / ج دهوز / ح طی ك ل م	زهری - عامر - سعد	شعب	۴۴ . حکم بن نافع
ب الف / ج دهوز / ح طی ك ل م	زهری - عامر - سعد	شعب	۴۵ . حکم بن نافع



## بررسی موضوعات مختلف در احادیث سعد بن ابراهیم

طرح ذیل، به شرح حدیث سعد بن ابراهیم می پردازد.

### موضوع دیدار:

الف) دیدار پیامبر،

ب) وضعیت دیدار: زمان، مکان و موضوع بیماری،

### موضوع مهاجرت:

ج) این مطلب که او دوست نداشت در سرزمینی بمیرد که از آن مهاجرت کرده است،

د) جمله ای درباره ابن عفرأ،

### موضوع وصیت:

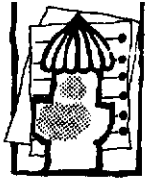
ه) صحبت درباره مقدار وصیت، علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

و) دلیل برای رد درخواست سعد: بهتر است، ورثه دارای ثروت باشند تا ... ،

ز) نکته امیدوارکننده: هر چه در راه خدا خرج کنی، عمل خیر محسوب می شود،

ح) پیشگویی غیر مستقیم این مطلب که سعد از بیماری بهبود می یابد،

ط) سعد، تنها یک وارث داشت (یک دختر).



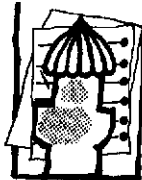
## جدول شماره ۵: احادیث سعد بن ابراهیم - عامر - سعد\*

جملات موجود	سلسله روایت
الف ب ج - ه و ز - - -	۴۶ . عبدالرزاق
الف ب ج د ط ه و ز ح *	۴۷ . عبدالرحمان
الف ب ج د ط ه و - - - *	۴۸ . عبدالرحمان
الف ب ج د ه و - ح ط	۴۹ . عبدالنعیم
الف ب - - - ه و - - -	۵۰ . عبدالنعیم
الف ب ج - ه و ز ح -	۵۱ . عبدالنعیم و عبیدالله
الف ب - - - ه و ز ح ط -	۵۲ . محمد بن کثیر
الف ب ج - . . . . .	۵۳ . ابوداؤد حفری
الف ج د ه و ز ح ط	۵۴ . فضل بن دکین و محمد بن عبد
الف ب - * ه و ز * ط د ح	۵۵ . وکیع
ز - - - - -	۵۶ . وکیع
. . . . .	۵۷ . وکیع
الف ب - - - ح د ه	۵۸ . ابونعیم

## جدول شماره ۶: دیگر احادیث نقل شده از عامر - سعد

عامر - سعد	۵۹ . هاشم بن هاشم
عامر - سعد	۶۰ . هاشم بن هاشم
عامر - سعد	۶۱ . بکیر بن مسمر
عامر - سعد	۶۲ . جریر

\* در تمامی این مقاله، خط تیره میان دو نام خاص، به جای «از» به کار رفته است. و.



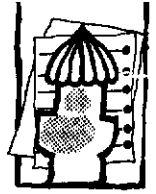
## بررسی واژه‌های به کار رفته در نقل‌های مختلف

مقایسه نقل‌های مختلف حدیث سعد با یکدیگر از لحاظ واژه‌های به کار رفته در سیزده جمله، کاری دشوار و کسل‌کننده است و چنانچه بخواهیم تصویری بزرگ‌تر از جزئیات آن ارائه کنیم، کار، مشکل‌تر و پیچیده‌تر می‌گردد. به هر حال، یافتن میزانی که بر اساس آن ما بتوانیم ارتباط میان سلسله روایت و سبک بیان یک نقل را دریابیم، کاری مهم و ضروری می‌نماید. از این رو در بررسی واژه‌های به کار رفته در نقل‌های مختلف، سه تحلیل متفاوت ارائه کرده‌ام. در تحلیل اول به بررسی اولین جمله حدیث سعد در نقل‌های عامر بن سعد (نقل‌های ۱ تا ۶۲) پرداخته‌ام. همان‌طور که نقل‌ها نشان می‌دهند، این جمله به خوبی بیانگر ارتباطی نظام‌مند بین سلسله روایت و متن است.

ما به راحتی در می‌یابیم که نوع چینش واژه‌ها و عبارات در حدیث، ارتباط زیادی با سلسله روایت دارد. هرچند در یک سلسله خاص نیز نوسان واژه‌ها وجود دارد، اما شباهت بین عبارات، آن قدر زیاد است که هر کسی با اندکی تأمل بر روی یک روایت می‌تواند سلسله راویان آن روایت را حدس بزند. اما با مقایسه جملات «و»، «ز»، «ح»، «ط»، «ی» و «ك» در نقل‌های مختلف در می‌یابیم که همسانی بین عبارات، آن قدر زیاد است که نمی‌توان دسته‌ای از کلمات را یافت که مشخصاً بیانگر سلسله‌ای خاص از راویان باشد.

پس از تحلیل اولین جمله، به بررسی چهار موضوع خاص خواهیم پرداخت که تفاوت‌های موجود در بین نقل‌ها را مشخص می‌سازد و آن چهار موضوع، عبارت‌اند از:

۱. آیا این واقعه در حجة الوداع اتفاق افتاد یا در سال فتح مکه؟
۲. آیا سؤال سعد در خصوص «وصیت» بود یا در خصوص «صدقه»؟
۳. چرا سعد می‌خواست ثروتش را ببخشد؟
۴. روند گفتگو در خصوص وصیت (که نهایتاً صدقه دادن تا یک سوم دارایی پذیرفته



شده) چگونه است؟

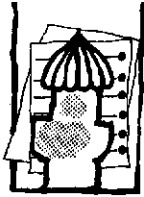
طبیعتاً ما جواب واقعی این پرسش ها را نمی دانیم . اما سؤالی که اکنون مطرح است ، این است که نقل های مختلف حدیث سعد ، چه اطلاعاتی را در خصوص این موضوعات در اختیار ما قرار می دهند؟

### بررسی نخستین جمله در نقل های عامر بن سعد — سعد

با نگاهی به جدول شماره ۷ ، به راحتی می توان شباهت واژه ها را دید و سلسله روایان هر واژه را حدس زد . همان طور که در جدول شماره ۷ می بینیم ، برخی از نقل ها نسبت به دیگر نقل ها دارای انسجام بیشتری هستند . نقل های مالک (نقل ۲۴ تا ۳۶) دارای بیشترین انسجام اند و نقل های مربوط به سفیان ، دارای انسجام کم تری است .

بار دیگر تذکر این مطلب ، ضروری به نظر می رسد که شمارش روایات ، مد نظر ما نیست ؛ بلکه در این این جا مهم ، شناسایی افرادی است که کلماتشان دارای انسجام بیشتری است . هر چند انسجام نیز خود یک امر نسبی است ؛ زیرا روایان اولیه در عین حفظ انسجام ، اذعان به «نقل به معنا» داشته اند و از این رو ما نمی توانیم تأکید چندانی بر انسجام کلمات شاگردان زهری و یا زهری و معاصرانش داشته باشیم .

به طوری که بعداً توضیح خواهیم داد ، اگر این حدیث (حدیث سعد) را به عنوان یک نمونه در نظر بگیریم ، با بررسی انسجام کلمات در نقل ها می توانیم روایانی را شناسایی کنیم که روایت آنها موثق است ؛ هر چند از لحاظ تعداد ، اندک باشند .



## جدول شماره ۷: بررسی واژه‌های به کار رفته در اولین جمله حدیث سعد در نقل‌های مختلف

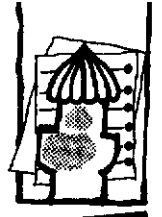
سفیان — زهری — عامر — سعد

۱- إنه قدم مكة عام الفتح قال: فمرضتُ	مرضاً أشفيتُ على نفسى الموت	فاتانى رسول الله صلى الله عليه وسلم يعودنى
۲- مرضتُ بمكة عام الفتح	مرضاً أشفيتُ منه على الموت	فاتانى رسول الله صلى الله عليه وسلم يعودنى
۳- مرضتُ	مرضاً أشفيتُ منه على الموت	فاتانى رسول الله صلى الله عليه وسلم يعودنى
۴- مرضتُ بمكة	مرضاً فأشفيتُ منه على الموت	فاتانى النبى صلى الله عليه وسلم يعودنى
۵- مرضتُ عام الفتح	مرضاً أشفيتُ منه على الموت	فاتانى رسول الله صلى الله عليه وسلم يعودنى
۶- مرضتُ بمكة عام الفتح	مرضاً أشفيتُ منه	فاتانى رسول الله صلى الله عليه وسلم يعودنى
۷- مرضتُ	مرضاً أشفيتُ منه	فاتانى رسول الله صلى الله عليه وسلم يعودنى
۸- مرض	مرضاً أشفى فيه	فعادنى رسول الله صلى الله عليه وسلم
۹- مرض	مرضاً بمكة أشفى فيه	فعادنى رسول الله صلى الله عليه وسلم
۱۰- مرضتُ عام الفتح	مرضاً أشفيتُ منه على الموت	فاتانى رسول الله صلى الله عليه وسلم يعودنى
۱۱- مرضتُ عام الفتح	حتى أشفيتُ على الموت	فعادنى رسول الله صلى الله عليه وسلم
۱۲- مرضتُ عام الفتح	مرضاً أشفيتُ منه	فاتانى رسول الله صلى الله عليه وسلم يعودنى
۱۴- إنه مرض عام الفتح وهو بمكة	مرضاً أشفى منها على الموت	فاتانى النبى صلى الله عليه وسلم يعودنى
۱۵- إنه مرض عام الفتح	مرضاً أشفى منه على الموت	أتانى النبى صلى الله عليه وسلم يعودنى فهو بمكة
۱۶- مرضتُ عام الفتح	مرضاً أشفيتُ منه على الموت	فاتانى رسول الله صلى الله عليه وسلم يعودنى فيه

ابراهيم بن سعد — زهرى — عامر — سعد

۱۷- عادنى النبى صلى الله عليه وسلم فى حجة الوداع	من وجع	أشفيتُ منه على الموت
۱۸- عادنى النبى صلى الله عليه وسلم فى حجة الوداع	من مرض	أشفيتُ منه على الموت
۱۹- عادنى رسول الله صلى الله عليه وسلم فى حجة الوداع	من شكوى	أشفيتُ منه على الموت
۲۰- عادنى رسول الله صلى الله عليه وسلم فى حجة الوداع	من وجع	أشفيتُ منه على الموت





سفيان — زهري — عامر — سعد

۲۱- عادنى النبى صلى الله عليه و سلم فى حجة الوداع من وجع اشفيتُ منه على الموت

ابراهيم بن سعد، ابن ابى سلامه و ديگران — زهري — عامر — سعد

۲۲- مرضتُ مرضاً اشفيتُ منه فدخل على رسول الله صلى الله عليه وسلم يعودنى

ابن ابى سلامه — زهري — عامر — سعد

۲۳- جاءنى رسول الله صلى الله عليه و سلم يعودنى عام حجة الوداع من وجع اشتدَّ بى

مالك — زهري — عامر — سعد

۲۴- جاءنى رسول الله صلى الله عليه و سلم يعودنى عام حجة الوداع من وجع اشتدَّ بى

۲۵- جاءنى رسول الله صلى الله عليه و سلم يعودنى عام حجة الوداع من وجع اشتدَّ بى

۲۶- جاءنى رسول الله صلى الله عليه و سلم يعودنى عام حجة الوداع من وجع اشتدَّ بى

۲۷- جاءنى رسول الله صلى الله عليه و سلم يعودنى عام حجة الوداع من وجع اشتدَّ بى

۲۸- جاءنى رسول الله صلى الله عليه و سلم يعودنى عام حجة الوداع من وجع اشتدَّ بى

۲۹- جاءنى رسول الله صلى الله عليه و سلم يعودنى عام حجة الوداع من وجع اشتدَّ بى

۳۰- جاءنى رسول الله صلى الله عليه و سلم يعودنى عام حجة الوداع من وجع اشتدَّ بى

۳۱- جاءنى رسول الله صلى الله عليه و سلم يعودنى عام حجة الوداع من وجع اشتدَّ بى

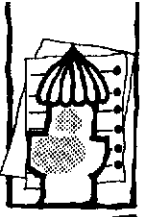
۳۲- جاءنى رسول الله صلى الله عليه و سلم يعودنى عام حجة الوداع من وجع اشتدَّ بى

۳۳- ان رسول الله صلى الله عليه و سلم يعودنى عام حجة الوداع من وجع اشتدَّ بى

۳۴- جاءنى رسول الله صلى الله عليه و سلم يعودنى عام حجة الوداع وبى اشتدَّ

۳۵- جاءنى رسول الله صلى الله عليه و سلم يعودنى عام حجة الوداع وبى اشتدَّ

۳۶- جاءنى رسول الله صلى الله عليه و سلم يعودنى عام حجة الوداع وبى اشتدَّ



معمر — زهری — عامر — سعد

۳۸- كنتُ مع رسول الله صلى الله عليه وسلم فمرضتُ مرضاً أشفى فعدانى رسول الله صلى الله

فى حجة الوداع فى حجة الوداع على الموت، قال عليه وسلم

۳۹- كنتُ مع رسول الله صلى الله عليه وسلم فمرضتُ مرضاً أشفى فعدانى رسول الله صلى الله

فى حجة الوداع على الموت عليه وسلم

۴۰- كنتُ مع رسول الله صلى الله عليه وسلم فمرضتُ مرضاً أشفى فعدانى رسول الله صلى الله

فى حجة الوداع على منه الموت عليه وسلم

محمد بن اسحاق — زهرى — عامر — سعد

۴۲- اشتكيت مع النبي صلى الله عليه حتى إذا أدنفتُ فدخل على رسول الله صلى الله

وسلم فى حجة الوداع عليه وسلم يعودنى

سفيان بن حسين — زهرى — عامر — سعد

۴۳- إن رسول الله صلى الله عليه وسلم عاده فى مرضه بمكة

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

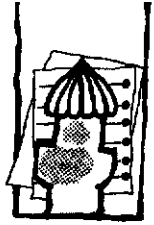
## زمان واقعه

آن دسته از روایات که از سفیان- زهری- عامر- سعد نقل شده اند، زمان این واقعه را سال فتح مکه ذکر کرده اند. هرچند روایات نقل شده از ابراهیم بن سعد، ابن ابی سلامه، مالک، معمر، محمد بن اسحاق و سفیان بن حسین که همه از زهری نقل کرده اند زمان این واقعه را حجة الوداع ذکر کرده اند. روایات عامر بن القاری تنها روایاتی هستند که به طور غیر مستقیم زمان واقعه را سال فتح مکه ذکر می کنند:

إن رسول الله (ص) قدم مكة، و خلف سعد مريضاً حيث خرج إلى حنين، فلما

قدم من جعرانة معتمراً دخل عليه ...

رسول خدا(ص) وارد مکه شد و هنگامی که عازم حنین بود، سعد را بیمار رها



کرد. پس زمانی که از جمرانه بازمی گشت تا به زیارت حَرَم [در مکه] پردازد، به دیدن او [سعد] آمد.

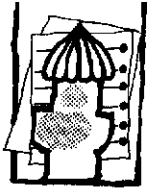
عینی و بیهقی در خصوص این مطلب، هر دو بر این باورند که اشتباه از سفیان است و استدلال آنان این است که اگرچه سفیان از راویان موثق است ولی راویان موثق تر از او، از زهری نقل کرده اند که این واقعه در سال حجة الوداع اتفاق افتاد. ابن حجر اشاره دارد که نقل عامر بن القاری نقل سفیان را تأیید می کند:

من نقل عامر بن القاری را تأییدی بر نقل [سفیان] ابن عیینه یافته ام که احمد، بزّار، طبرانی، بخاری در التاريخ، و ابن سعد نقل کرده اند: «پیامبر - صلی الله علیه و سلم - آمد و رفت، در حالی که سعد بیمار بود...». شاید ابن عیینه حدیث را با حدیثی دیگر، اشتباه گرفته است... بنابراین، استدلال ابن حجر چنین است که تا آن جا که به نقل از زهری مربوط می شود، سفیان، در تعارض با راویان موثق قرار دارد. این اشکال، ناشی از اطلاعات نادرست او از نقل عمرو بن القاری است. و او چاره ای ندارد جز این که نتیجه بگیرد که ممکن است این واقعه در دو زمان اتفاق افتاده باشد: یکی در سال فتح مکه و دیگری در حجة الوداع. نقل عامر بن القاری را نیز نمی توان نادیده انگاشت؛ زیرا همه راویان آن، موثق اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

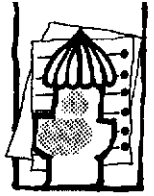
### وصیت یا صدقه

موضوع دیگری که در خصوص حدیث سعد دارای ابهام است، این است که آیا هدف او از سؤال کردن، کسب اجازه برای وصیت کردن درباره ثروتش بوده است و یا این که می خواسته در راه خدا صدقه بدهد. این در حالی است که «صدقه» به بخشش و انفاق اشاره دارد و «وصیت» به سفارش و دستور. زمانی که ما نگاهی کلی به حدیث سعد می اندازیم، همچنان این موضوع در هاله ای از ابهام باقی می ماند؛ اما به طوری که در جدول ۸ نشان داده شده است، با توجه به تفاوت های متن و سلسله راویان، مسئله روشن تر می گردد.



جدول شماره ۸۵: موضوع پر سش سعد، وصیت یا صدقه؟

نقل	سلسله روایان	وصیت	صدقہ
۱۶-۱	سفیان — زہری — عامر	۴	۸
۲۱-۱۷	ابراہیم بن سعد — زہری — عامر		۵
۲۲	(اسناد مشترک) — زہری — عامر		۱
۲۳	ابن ابی سلامہ — زہری — عامر		۱
۳۶-۲۴	مالک — زہری — عامر		۱۲
۴۱-۳۸	معمر — زہری — عامر	۳	
۴۲	ابن اسحاق — زہری — عامر		۱
۴۳	سفیان بن حسین — زہری — عامر	۱	
۵۸-۴۶	سعد بن ابراہیم — عامر	۹	
۶۰-۵۹	ہاشم بن ہاشم — عامر	۲	
۶۱	بکیر بن مسمار — عامر	۱	
۶۲	جریر بن زید — عامر	۱	
۷۱-۶۳	حمید — شہ فرزند سعد	۷	
۸۰-۷۲	مصعب بن سعد — عامر	۸	
۸۷-۸۱	ابو عبد الرحمن سلمی	۷	
۹۱-۸۸	محمد بن سعد	۳	
۹۷-۹۲	عایشہ بنت سعد	۳	
۹۸	ابوبکر بن حفص	۱	
۹۹	ابن جریج — عطا	۱	
۱۰۷-۱۰۳	عایشہ بنت ابی بکر	۴	
۱۱۴-۱۰۸	عمرو بن قاری — پدر — پدر بزرگ	۴۵	۴۵



در این جدول، روایات عمرو بن قاری را با علامت سؤال، مشخص کرده‌ام تا تردید راوی را نسبت به این مطلب که آیا حدیث، اشاره به وصیت دارد و یا صدقه نشان دهم و تنها در روایات سفیان از زهری است که ما به نوسان موضوع برخورد می‌کنیم.

تا به این جا، تحقیق در خصوص حدیث سعد، این امکان را برای ما فراهم ساخته است که بتوانیم مختصر اطلاعاتی را درباره ویژگی های راویان حدیث کسب کنیم و بر این اساس، ممکن است آن دسته از نقل های سفیان - زهری را که از صدقه صحبت به میان می‌آورند، بر چهار نقل دیگر که حکایت از وصیت دارند، ترجیح دهیم. این چهار نقل، عبارت اند از:

۱ - نقل شماره ۳ که ابن سعد از سفیان نقل می‌کند:

۲ - نقل شماره ۱۰ که ترمذی از ابن ابی عمر و او هم از سفیان نقل می‌کند.

۳ - نقل شماره ۱۲ که بیهقی از سعدان بن نصر و او هم از سفیان نقل می‌کند.

۴ - نقل شماره ۱۶ که ابو یعلی از ابو خیشمه و او هم از سفیان نقل می‌کند.

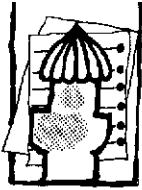
از طرف دیگر، ما نقل هایی داریم از سعید بن منصور (نقل شماره ۱)، عمر بن عثمان (نقل شماره ۷) عثمان بن ابی شیبه (نقل شماره ۸) زکریا بن یحیی المروزی (نقل شماره ۱۴)، نقل موجود در سنن ابن ماجه از طریق اسناد مشترك (نقل شماره ۱۱) و از همه مهم تر سه نقل از حمیدی (نقل شماره ۱ از مسند او، نقل شماره ۴ از صحیح البخاری و نقل شماره ۶ از التمهید ابن عبد البر).

اگر سفیان بن حسین و معمر، این حدیث (که سخن از وصیت به میان آورده است) را از زهری و او از عامر نقل نمی‌کردند، شاید رسیدن به جواب، ساده تر می‌بود. همچنین دیگر راویان این حدیث، به علاوه آن دسته که این حدیث را از عامر نقل کرده‌اند، همه سخن از وصیت به میان آورده‌اند. شاید این ابهام، مربوط به خود عامر باشد؛ یعنی او این مطلب را به هر دو صورت بیان کرده باشد. به عنوان مثال به حدیث ابوبکر بن حفص (نقل شماره ۹۸) توجه کنید. در آن جا سعد از پیامبر می‌پرسد:

أفاوصی فی إخوانی (یعنی المهاجرین) بالثلث؟

می‌توانم دو سوم را برای برادرانم (مهاجران) وصیت کنم؟

در این صورت، وصیت، خود به معنای «وصیت به صدقه» است. یقیناً جمله پیامبر که در ادامه می‌گوید: «... هر چه در راه خدا خرج کنی صدقه به حساب می‌آید»، اشاره به این مطلب دارد که سعد در اندیشه انجام دادن کاری برای آن لحظات آخر بود و در این جا



اگر ترس سعد را از مرگ در نظر بگیریم ، می توانیم به وصیت اشاره کنیم ، اما جواب پیامبر که در بالا ذکر ، شد مطلب دیگری را نشان می دهد .

### بررسی علت پرسش سعد

پرسش سعد ، با یک یا دو تا از سه مورد ذیل ، همراه است :

۱- داشتن ثروت زیاد ،

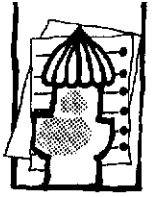
۲- داشتن ورثه ثروتمند ،

۳- داشتن تنها یک وارث .

جدول شماره ۹ به بررسی توزیع این سه مورد در نقل های مختلف می پردازد .

### جدول شماره ۹: علت پرسش سعد

سلسله راویان	دلیلی ذکر نشده	داشتن ثروت	یک وارث	ورثه غنی
زهری — عامر		۳۴	۳۴	
سعد بن ابراهیم — عامر	۴		۵	
هاشم بن هاشم — عامر			۲	
بکیر بن مسمار — عامر	۱			
جریر بن زید — عامر	۱			
حمید — سه فرزند سعد		۷	۷	
مصعب بن سعد	۶			۶
ابو عبد الرحمن السلمی	۱			
محمد بن سعد		۳		
عایشه بنت سعد		۳	۳	
ابوبکر ابن حفص		۱	۱	
ابن جریج — عطا		۱	۱	
عایشه بنت ابی بکر	۴			
عمرو بن قاری		۶	۶	



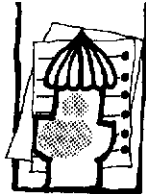
با نگاهی به جدول شماره ۹ می بینیم که نقل های زهری - عامر ، کاملاً با یکدیگر در مورد علل پرسش سعد ، توافق دارند و دیگر نقل های عامر نیز در تعارض با نقل های زهری - عامر نیستند؛ اما به سمت پایین جدول که حرکت می کنیم ، به نقل های ابو عبد الرحمن سلّمی برمی خوریم که این نقل ها علت پرسش سعد را «داشتن ورثه غنی» ذکر می کنند . در این جا بار دیگر با استفاده از علم رجالی که پیش از این به تبیین آن پرداختیم ، می توانیم میزان وثاقت سلّمی را بسنجیم و ببینیم که : آیا روایت او در این یک مورد با روایت راویان ثقه تفاوت دارد و یا غالباً تفاوتی در روایات او با روایات راویان ثقه وجود دارد؟ چنانچه مطلب دوم صادق باشد ، ما می توانیم درباره او این گونه داوری کنیم که او ثقه نیست .

### گفتگو درباره مقدار وصیت

آنچه که بیش از همه تفاوت بین نقل های عامر را در خصوص حدیث سعد به ما می نمایاند ، روند گفتگو درباره مقدار وصیت است .

### جدول ۱۰ - روند گفتگو از مقدار وصیت در نقل های مختلف

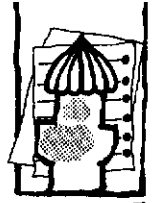
سلسله روایان	۱ ← ۲ ← ۳	۱ ← ۲ ← ۳	۱ ← ۲ ← ۳	۱ ← ۲ ← ۳	۱ ← ۲ ← ۳	۱ ← ۲ ← ۳
سفیان - زهری - عامر	۱	۲	۳	۴	۵	۶
ابراهیم بن سعد - زهری - عامر		۱	۲	۳	۴	۵
(اسناد مشترك) - زهری - عامر	۱					
ابن ابی سلامه - زهری - عامر			۱			
مالک - زهری - عامر			۱۲			
معمر - زهری - عامر			۴			
ابن اسحاق - زهری - عامر	۱					
سفیان بن حسین - زهری - عامر	۱					



	۹				سعد بن ابراهیم — عامر
۲					هاشم بن هاشم — عامر
	۱				بکیر بن مسمار — عامر
				۱	جریر بن زید — عامر
۱	۱			۴	حمید — سه فرزند سعد
	۳		۱	۱	مصعب بن سعد
				۱+۶	ابو عبدالرحمان السلمی
	۳				محمد بن سعد
		۳			عایشه بنت سعد
		۱			ابوبکر بن حفص
		۱			ابن جریج — عطا
	۳	۱			عایشه بنت ابی بکر
			۱	۴	عمرو بن قاری — پدر — پدر بزرگ

با توجه به جدول شماره ۱۰ ما می‌توانیم روند گفتگو درباره مقدار وصیت را بررسی کنیم. به عنوان مثال، روند  $۱ \leftarrow \frac{۲}{۳} \leftarrow \frac{۱}{۴}$  بیانگر این مطلب است که سعد در ابتدا از پیامبر اجازه خواست تا همه ثروتش را ببخشد و چون با جواب منفی پیامبر مواجه شد، درخواست کرد تا دو سوم از ثروتش را ببخشد و باز چون پیامبر نهی فرمودند، او در خواست کرد تا نصف مالش را ببخشد و در پایان، پیامبر، یک سوم را اجازه داد. شماره‌های موجود در هر ستون، بیانگر تعداد نقل‌های سلسله روایت اند که به روند مذکور اشاره داشته‌اند. در ردیف نقل‌های سلمی در ستون دوم، عدد  $۱ + ۶$  نوشته شده است و این به خاطر متفاوت بودن نقل‌های سلمی در بیان روند گفتگو درباره مقدار وصیت بوده است، به این ترتیب که یکی از نقل‌های سلمی، روند گفتگو را همان‌گونه که هست، بیان می‌کند؛ یعنی از یک به دو سوم و از دو سوم به یک دوم؛ اما شش نقل دیگر، کاملاً



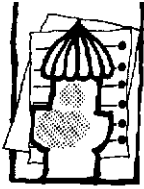


م تفاوت اند و از یک دهم شروع می شوند، به طوری که در این نقل ها از سعد نقل شده است که من با پیامبر، چانه می زدم و او با من، تا این که پیامبر فرمود: «یک سوم! و یک سوم، مقدار زیادی است». در این جا فقط با نگاهی به ارقام موجود در جدول، درمی یابیم که بیشتر نقل های سفیان- زهری- عامر، موضوع مقدار وصیت را به یک طریق و نقل های مالک- زهری- عامر به طریقی دیگر و نقل های سعد بن ابراهیم- عامر نیز به طریق سومی این موضوع را بیان کرده اند.

من فکر می کنم توجه به این مطلب ضروری باشد که حتی اگر این موضوع، بیشترین تنوع را در نقل دارا باشد، نمی توان آن را کاملاً تصادفی دانست. مقداری از تنوع در نقل ها را می توان به این دلیل دانست که آنچه برای راویان در نقل این حدیث مهم بوده، تصمیم نهایی پیامبر بوده است و پرسش های مطرح شده در متن حدیث درباره مقدار وصیت، دلیل بر وجود گفتگو میان آنان در این باره می باشد. با وجود این، ناگفته پیداست که اگر چنین تنوع گسترده ای در همه قسمت های نقل شده از حدیث وجود می داشت، یقیناً شناسایی و ارائه الگویی برای نقل های راویان، اگر نگوئیم ناممکن، دست کم کاری بس مشکل بود.

### حدیث سعد بن ابی وقاص

در این مقاله از حدیث سفیان- زهری- عامر- سعد گفتیم و از حدیث مالک- زهری- عامر- سعد و از چند حدیث دیگر؛ اما از «حدیث سعد بن ابی وقاص» چه گفتیم؟ حدیث سعد بن ابی وقاص، چه چیزی را می بایست به ما می گفت؟ در پاسخ می گوئیم: حدیث سعد بن ابی وقاص، داستان مردی است که پیامبر به عیادت او آمد. حال، این عیادت، خواه در سال حجة الوداع بوده است یا در سال فتح مکه؛ و سعد می خواست همه ثروتش را وصیت کند همه اش را صدقه بدهد و یا این که می خواست هم وصیت کند و هم صدقه بدهد؛ و این یا به خاطر آن بود که او ثروت زیادی داشت و یا به دلیل ثروتمند بودن ورثه اش و یا به این دلیل بود که تنها یک دختر داشت؛ و به همین ترتیب.

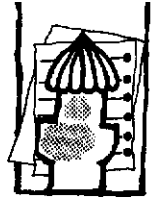


روش دیگری که می‌توان در خصوص بررسی حدیث سعد به آن پرداخت، این است که یک بررسی آماری بر روی نقل‌ها انجام دهیم و از موضوعاتی که نقل‌ها بیش‌تر در آن موضوعات توافق دارند، یک نقل جدید پردازیم و روش سوم آن است که بر اساس مطالعاتمان بر روی تاریخ صدر اسلام، آن دسته از موضوعاتی را برگزینیم که به نظرمان درست می‌آیند.

هر سه روش یاد شده و روش‌های دیگری که در این جا مجال بررسی آنها نیست، از جمله روش‌هایی هستند که مورد توجه پژوهشگران غربی قرار گرفته‌اند و من امیدوارم در این مقاله توانسته باشم این مطلب را نیز به اثبات برسانم که بررسی متن یک حدیث، بدون در نظر گرفتن سلسله روایت آن حدیث، غیر ممکن است. و به طور کلی خطاست اگر صرفاً از حدیث سعد بن ابی وقاص بگوییم و سلسله روایان آن را ذکر نکنیم. به عنوان مثال، نقل شماره ۷۲ را در نظر بگیرید. در این نقل، سعد می‌گوید:

نزلت فی أربع آیات، قال: حلفت أمة أن لا تطعم طعاماً ولا تشرب شراباً حتى  
 اكفر بمحمد - صلى الله عليه وسلم - قال: فكنا إذا أردنا أن نطعمها أخذنا عودا  
 فادخلنا في فيها وصبنا في فيها الطعام والشراب، فنزلت في هذه الآية: «و  
 وصينا الإنسان بالديه» إلى قوله: «وإن جاهدك لتشرك بالله ما ليس لك به علم» .  
 قال: وكنا على شراب فتفاخرنا، ففاخرت رجلا من الأنصار فرقع بلحى جمل  
 فضرب به أنفى، ففزره. قال: فكان أنف سعد مفزوزاً. قال: ونزل في تحريم  
 الخمر. قال: وأصبت سيفاً يوم بدر فأتيت به النبي - صلى الله عليه وسلم -  
 فقلت: يا نبي الله! نفلني. قال: ضعه. قال: قلت: لا تجعل من له غناء كمن لا  
 غناء له! فقال النبي - صلى الله عليه وسلم -: ضعه. فنزلت: «يسألونك عن  
 الأنفال». قال: ونزلت في آية الوصية.

چهار آیه درباره من نازل شد. [سعد] گفت: مادرم قسم خورد تا من از ایمانم  
 نسبت به محمد دست برندارم، او هیچ نخورد و نیاشامد. بنابراین، هرگاه  
 می‌خواستیم به او غذا به بدهیم، چوبی برمی‌داشتیم و در دهان او می‌گذاشتیم

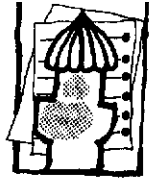


[تا دهان او را باز نگاه داریم] و سپس آب و غذا در دهانش می گذاشتیم. پس این آیه درباره من نازل شد: «و وصینا الانسان بوالديه» تا آنجا که می فرماید: «وإن جاهدك لتشرك بالله ما ليس لك به علم». [سعد] گفت: دور هم جمع بودیم و می نوشیدیم و از افتخاراتمان می گفتیم و چون بر مردی از انصار فخر فروشی کردم، استخوان شتری را برداشت و بر بینی من زد (راوی گوید: چنین بود که بینی سعد بشکست). [سعد] گفت: آیه تحریم شرب خمر، درباره من نازل شد. در روز جنگ بدر، شمشیری را یافتیم. پس به پیش پیامبر آوردم و گفتم: ای رسول خدا! آن را به من ببخشید. پس پیامبر فرمود: «بگذارش». پس این آیه نازل شد: «يستلونك عن الانفال». [سعد] گفت: آیه وصیت نیز درباره من نازل شد.

### و بار دیگر «حدیث سعد»!

بنگرید به نقل ۹۲ از عایشه بنت سعد که او از پدرش سعد بن ابی وقاص نقل کرده است: قال سعد: اشتکت بمكة، فدخل علي رسول الله -صلى الله عليه وسلم- يعودني، فمسح وجهي و صدري و بطني، و قال: «اللهم اشف سعدا»، فما زلت يخيّل اليّ اني اجد برديده -صلى الله عليه وسلم- علي كبدي حتى الساعة. سعد گفت: در مکه بیمار شدم. پس رسول خدا (ص) به عیادت من آمد. او دستی به سر و سینه و دل من کشید و گفت: «بارالها! سعد را شفا بده». و تا این لحظه هنوز سردی دستانش را بر روی قلبم حس می کنم.

با نگاهی به این حدیث و احادیثی از این قبیل، انشای یک نقل از حدیث سعد که در ابتدای این بخش از آن سخن به میان آمد، ما را با ناهمانگی های بسیاری مواجه خواهد کرد. البته در احادیث عامر از سعد نیز ممکن است کار به همین نحو باشد؛ اما ما با سنجش راویان گوناگون و روایت های آنان قادر خواهیم بود از میان انبوه متون نقل شده، به راه



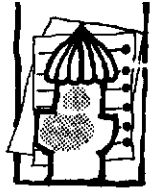
حلی دست یابیم .

از این رو ست که من پیشنهاد می‌کنم به جای «حدیث سعد» بگوییم «حدیث عامر از سعد» یا «حدیث مصعب از سعد» و یا «حدیث عایشه بنت سعد از سعد». در خصوص حدیث سعد، باید بگوییم تمام نقل‌های رسیده از شاگردان سعد نیز آن قدر دارای استقلال ذاتی هستند و آن قدر از یکدیگر متفاوت‌اند که ما می‌توانیم به «حدیث شاگردان سعد از سعد نیز» اشاره کنیم .

### کلام آخر

پیوندی ناگسستنی بین متون و اسامی مذکور در سلسله‌های روایتی که این متون از طریق آنها نقل شده‌اند، وجود دارد. من این پدیده را در خصوص یک حدیث به اثبات رسانده‌ام و اعتقاد دارم که این مورد، تنها یک نمونه است. هر حدیثی که در صحیح البخاری آمده است، به همین میزان، دارای اشکال متنوع در نقل است. نظریه اهمیت دادن به واژه‌ها در متن یک حدیث، بدون در نظر گرفتن ارتباط بین متن و سلسله روایت آن، یک نظریه ناقص است .

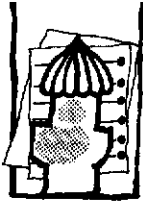
مطلب دیگری که در بین استدلال‌هایم به آن اشاره داشته‌ام، ارتباط بین اسامی ذکر شده در سلسله روایت یک متن خاص و متون نقل شده از طریق آن سلسله است. استدلال من، ارتباط نظام مندی را نشان می‌دهد که آن اندازه هست که بتوانیم آن را در احادیث گوناگون، دنبال کنیم. به عبارت دیگر، فرض کنید ما ابتدا متوجه می‌شویم که نقل‌هایی که از یک راوی خاص نقل شده‌اند، در متن یک حدیث، جزئیات را نیز به همراه دارند. من اعتقاد دارم که اگر ما یک بررسی تطبیقی مشابه در دیگر احادیثی که نام این راوی نیز در سلسله روایت آنها وجود دارد انجام دهیم، درمی‌یابیم که بر روی هم، گرایش‌ها و تمایلاتی که در حدیث اول وجود داشته، در این احادیث نیز وجود دارد. فرضیاتی که در مرحله اول شکل می‌گیرند، در مراحل بعدی مورد آزمایش قرار می‌گیرند و اصلاح می‌شوند .



این، در واقع، آن کاری است که پژوهشگران مسلمان در بررسی احادیث انجام می دهند. داوری بر پایه خصوصیات راویان از طریق جمع آوری نقل های مختلف احادیث، در همه آثار پژوهشگران رجال (که از میانه قرن دوم ظهور نموده اند) وجود داد. در این جا هدف، آن نیست که داوری آنها را بپذیریم و یا روش آنها را دنبال کنیم و اصلاً درست نیست که ما از پژوهشگران امروزی غرب بخواهیم که به همان نتایجی دست یابند که پژوهشگران مسلمان دیروز در نظریاتشان به آنها اشاره کرده اند؛ چرا که اساساً نوع بررسی متون احادیث و تک بعدی نگری آنها (رجال شناسان گذشته) در این کار، با نیاز های پژوهشگر امروزی سازگار نیست؛ ولی آنچه من می خواهم، این است که ارتباط بین متون و اسامی ذکر شده در سلسله روایت آن متون، به عنوان داده هایی مهم در نظر گرفته شوند که می توان از آنها بهره های فراوان برد.

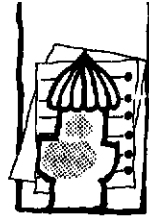
در بررسی متون حدیث، حتی اگر با چیزهایی مثل شایعه و یا جعلیات برخورد کنیم، این شایعات و جعلیات نیز ارتباطی خاص با سلسله راویان خود دارند. اگر ما نخواهیم این نکته را بپذیریم که این اسامی، اسامی واقعی کسانی است که حدیث را نقل کرده اند و در نهایت به دست مصنفان افتاده است، پس باید توجه دیگری را برای این مطلب ارائه دهیم.

پژوهشگران غربی، به جای ارائه سازو کارهای نظری در جهت توضیح و تشریح این ارتباط، اقدام به پاک کردن صورت مسئله نموده اند و منکر وجود قاعده و قانون خاصی در ارتباط بین متن حدیث و سلسله راویان شده اند. چنانچه قبل از ارائه چنین سازو کارهایی به رد مطالبی پردازیم که پژوهشگران سنتی در آثار رجالی شان و در بررسی احادیث به آنها اشاره داشته اند، یقیناً منابع عظیم و سرشاری را در عرصه حدیث پژوهی نادیده گرفته ایم. خ.

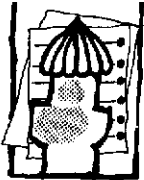


## کتابشناسی منابع این پژوهش

- فتح الباری فی شرح «صحيح البخاری»، ابن حجر العسقلانی، تحقیق: محبّ الدین الخطیب و محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دارالمعارف، ۱۹۵۹-۱۹۷۰ م.
- المسند، احمد بن حنبل، تحقیق: احمد محمد شاکر (ج ۱-۱۵) و حسین عبدالمجید هاشم (ج ۱۶-۱۸)، قاهره: دارالمعارف، ۱۹۴۹-۱۹۵۶ م.
- السنن، ابن ماجة القزوينی، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره: دار احیاء الکتب، ۱۹۵۲-۱۹۵۳ م.
- الطبقات الكبرى، محمد بن سعد، تحقیق: احسان عباس، بیروت: دار صادر، ۱۹۵۸-۱۹۶۰ م.
- الموطأ، مالک بن انس، بیروت: دارالآفاق الجديدة، ۱۹۷۹ م.
- الصحيح، مسلم بن حجّاج القشیری النیشابوری، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۹۵۶-۱۹۷۲ م.
- السنن المجتبی، احمد بن شعيب النسائي، تحقیق: حسن محمد مسعودی، قاهره: المطبعة المصرية بالازهر، ۱۹۳۰ م.
- المسند، سعید بن منصور بن شعبه، تحقیق: حبيب الرحمان الاعظمی، گجرات: مطبوعات علمی، ۱۹۶۷ م.
- جامع البيان فی تفسیر القرآن، محمد بن جریر الطبری، قاهره: مطبعة مصطفى البابي الحلبي، ۱۹۵۴-۱۹۶۸ م.
- المعجم الكبير، سليمان بن احمد الطبراني، تحقیق: حمدی عبدالمجید السلفی،



- بغداد: وزارة الاوقاف (ج ١)، ١٩٧٨م، وموصل: مطبعة الزهراء الحديثة (ج ٢) - ٢١، ١٩٨٤م.
- شرح معانى الآثار، أحمد بن محمد الطحاوى، قاهره: مطبعة الانوار المحمّدية، ١٩٦٨م.
- المسند، أبو داوود الطيالسى، حيدرآباد: دائرة المعارف النظامية، ١٩٠٤م.
- الجامع، محمد بن عيسى الترمذى، تحقيق (ج ١): عبد الوهاب عبد اللطيف، قاهره: مطبعة المدنى، ١٩٦٥م، و (ج ٢-٥): عبد الرحمان محمّد عثمان، مدينه: المكتبة السلفية.
- المصنّف، عبدالرزاق الصنعانى، تحقيق: حبيب الرحمان الاعظمى، ژوهانسبورگ: المجلس العلمى، ١٩٧٠-١٩٧٢م.
- المنتخب من «مسند عبد بن حميد»، تحقيق: صبحى بدرى السامرأئى ومحمّد محمّد السعيدى، بيروت: عالم الكتب، ١٩٨٨م.
- السنن، أبو داوود سليمان بن أشعث السُّجِسْتَانِي، تحقيق (ج ١-٤): محمد محيى الدين عبد الحميد، قاهره: دار إحياء السنن النبوية، ١٩٧٠-١٩٧٢م، و (ج ٥): عزّت عبيد الدعس و عادل السيّد، حمس: دار الحديث، ١٩٧٤م.
- المسند، أبو يعلى الموصلى، تحقيق: حسين سليم أسد، دمشق: دار المأمون للتراث، ١٩٨٤-١٩٨٥م.
- الإحسان بترتيب «صحيح ابن حبان»، علاء الدين على بن بلبان، تحقيق: كمال يوسف الحوت، بيروت: دار الكتب العلمية، ١٩٨٧م.
- شرح السنّة، حسين بن مسعود بن فرّاء البَغَوَى، تحقيق: شعيب الارنؤوت ومحمّد زهير الشاويش، دمشق: دار الكتاب الإسلامى، ١٩٧١-١٩٨٠م.



○ السنن الكبرى، أحمد بن حسين بن علي البيهقي، حيدرآباد: دائرة المعارف النظامية، ١٩٢٥ م.

○ الادب المفرد، محمد بن إسماعيل البخاري، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٩٧٢ م.

○ سير أعلام النبلاء، شمس الدين محمد بن علي الذهبي، تحقيق: شعيب الأنثوت، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٩٨١ م.

○ كشف الاستار عن زوائد البرزّار، نورالدين علي بن أبي بكر الهيثمي، تحقيق: حبيب الرحمان الأعظمي، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٩٧٢ م.

○ المسند، أبو بكر عبدالله بن زبير الحميدى، تحقيق: حبيب الرحمان الأعظمي، كراچي: المجلس العلمي، ١٩٦٣ م.

○ الاستيعاب بمعرفة الاصحاب، ابن عبد البرّ، حيدرآباد: دائرة المعارف النظامية، ١٩١٧-١٩١٨ م.

○ التمهيد في معرفة ما في «الموطأ» من المعاني والأسانيد، ابن عبد البرّ، تحقيق: مصطفى بن أحمد العلوي و محمد عبد الكبير البكري، مغرب: وزارة الأوقاف، ١٩٨٢-١٩٨٩ م.

○ أسد الغابة في معرفة الصحابة، عزّالدين علي بن محمد ابن أثير، تحقيق: محمود و عبدالوهاب فائد و محمد بن إبراهيم البنا و محمد أحمد عاشور، قاهره: دارالشعب، ١٩٧٠-١٩٧٣ م.

○ تاريخ دمشق، علي بن حسين ابن عساكر، روگرفت از نسخه خطی كتاب خانة ظاهرية دمشق.

○ السنن، عبدالله بن عبدالرحمان الدارمي، دار إحياء السنّة النبوية، ١٩٧٢ م.